

پنج) مبنای شهید صدر:

مرحوم شهید صدر جامع صحیحی ها را جامع مرکب می داند.

ایشان ابتدا توضیح می دهند که مشکل در تصویر جامع صلاتی از آنجا ناشی می شود که اگر - مثلاً - فاتحة الكتاب را جزء صلاة بدانیم، در نماز اخرس چگونه حکم به صحت کنیم و اگر جزء ندانیم، در نماز انسان سالم چه بگوییم؟ مرحوم صدر سپس در مقام جواب می گویند:

«و حاصل الدفع، أن الجزء - الفاتحة - من طرف الوجود، و إن كان وجوده أمراً واحداً، و لكن هذا الوجود الواحد، له أنحاء من العدم، فتارةً تنعدم الفاتحة إنعداماً نسيانياً، و أخرى تنعدم إنعداماً إضطرارياً، و ثالثةً تنعدم إنعداماً إختیارياً، و هكذا أي جزء آخر أو شرط يمكن تحليله إلى حصص متعددة بإعتبار حالات الترك و دواعيه. و حينئذ، بناء على هذا، يقال بأن الجامع الصحیحی، هو عبارة عن الفعل المركب، الذي لا يصدق عليه إنعدامات معينة، و الذي نضيقه بلحاظ حصص العدم، لا بلحاظ الوجود، فنقول مثلاً المركب الذي لا يصدق عليه فقدان الاختیاری لفاتحة الكتاب، و حينئذ إذا فرض أن الإنسان ترك الفاتحة و هو إخرس، أو و هو ناس، يصدق على صلاته أنها مركب ليس فاقداً فقدراً إختیارياً للفاتحة، و الانسان المختار الذي يأتي بالفاتحة، أيضاً يصدق على فعله أن مركب، ليس فاقداً فقدراً إختیاراً للفاتحة، و بهذا يمكن جمع الأفراد الصحيحة كلها، و إخراج الفرد الباطل، عن طريق تضییق هذا الجامع التركیبی، بلحاظ حصص العدم، لا بلحاظ الوجود.»^۱

توضیح :

- ۱) حلّ مشکل به آن است که توجه کنیم:
- ۲) فاتحة الكتاب اگر چه یک وجود است ولی به انحاء متعدده معدوم می شود. گاه انعدام نسیانی پیدا می کند، گاه انعدام اضطراری و گاه انعدام اختیاری (و این در مورد همه اجزاء صادق است)
- ۳) حال اگر بگوییم صلوة عبارت است از فعل مرکب (مثلاً رکوع + سجده + تشهد + فاتحه + ...) به شرطی که برخی از اجزاء آن اختیاریاً معدوم نشده باشند (= لا يصدق عليه انعدامات معینة) در این صورت ما اجزاء را به حساب حصص عدمی مضیق کرده ایم.
- ۴) در این صورت نماز آدم سالم غیر ناسی اگر فاتحة الكتاب را نخواند، می توان گفت او نماز یعنی «فعل مرکبی که اجزاء آن اختیاریاً معدوم نشده اند» را به جای نیاورده ولی اگر اخرس، فاتحة الكتاب را نخواند می توان گفت او نماز را به جای آورد.
- ۵) و با این تقریر می توان همه نمازهای صحیح را تحت جامع واحدی جمع کرد.

۱. تمهید فی مباحث الدلیل اللفظی / تقریر شیخ حسن عبد الساتر. ج ۳ ص ۲۲



ما می گوئیم:

۱. طبق این بیان جامع صحیحی برای نماز عبارت است از:
«رکوع + سجود + تشهد + ... به شرطی که اختیاراً ترک نشده باشند»
۲. ایشان ظاهراً خود متنبه می شوند که این جامع راهگشا نیست چراکه در مثل «قصد قربت» اختیاری بودن یا نسیانی بودن ... باهم فرقی نمی کنند و در هر صورت نماز بدون قصد قربت باطل است. همچنین در مثل کسی که «عن اضطرار» وضو نمی گیرد ولی تیمم هم نمی کند، «فعل مرکب به شرط عدم ترک اختیاری وضو» صدق می کند ولی نمازش باطل است.
۳. ظاهراً به همین جهت ایشان اجزاء نماز را ۵ دسته می کند و در هر مورد به طور مجزاً وارد بحث می شود.
ایشان می نویسند:

«الأول: و هو الوجه المختار - أنه لا موجب لافتراض أخذ كل الأجزاء و الشروط المعتمدة في الافراد الصحيحة جمعاً في الجامع التركيبي ليستحيل صدقه على الفاقد لبعضها، بل يؤخذ في الجامع التركيبي ما يلي:

أولاً: القيود المعتمدة في صحة الفعل مطلقاً و في جميع الحالات - كقصد القرية - فتؤخذ في الجامع التركيبي تعييناً. ثانياً: القيود المعتمدة في الفعل بنفسها أو بدلها العرضي التخيري كالفاتحة و التسيبحات الأربع في الأخيرتين - فيؤخذ في الجامع التركيبي الجامع بينها و بين بدلها العرضي. ثالثاً: القيود المعتمدة في الفعل بنفسها أو بدلها العرضي التعيني كالوضوء من المحدث بالأصغر و الغسل من المحدث بالكبير و كالأخيرتين في الرباعية من الحاضر و تركهما من المسافر - فيؤخذ الجامع بينها و بين بدلها مع تقييد كل منهما بموضوعه فيكون صادقاً في الحالتين معاً. و رابعاً: القيود المعتمدة و لها بدل طولی - كالجوس بدلاً عن القيام أو التيمم بدلاً عن الوضوء و الغسل في حالة الاضطرار - و حاله حال القسم السابق يؤخذ الجامع بين البدلين مع التقييد بحالتی الاختيار و الاضطرار. ... و خامساً: القيود المعتمدة في حال الاختيار و نحوه فقط من دون بدل عنها في غير تلك الحال - كما في ترك البسملة تقيّة مثلاً - و الإشكال في كيفية أخذ هذا القسم من القيود لعلّه أشدّ منه في الأقسام السابقة.»^۱

توضیح :

- (۱) دلیلی ندارد جامع صحیح را، جامع از همه اجزاء و شرائط که در صحّت نماز معتبر است، بدانیم تا کسی بگوید بر «فاقد بعض اجزاء» صدق نمی کند بلکه:
- (۲) جامع صلوة، جامعی است مرکب از:
- (۳) اول: قیودی که درصحت همه نمازها معتبر دانسته شده است مثل قصد قربت. این قیود در جامع صلوة دخیل است.

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۱ ص ۱۹۳ و ۱۹۴



۴) دوم: قیودی که در انجام نماز، یا خودشان و یا بدل تخییری آنها (که در عرض آنها می باشد و مکلف هر کدام را خواست انجام می دهد) معتبر هستند. مثل سوره حمد و یا تسبیحات اربعه در رکعت های سوم و چهارم. جامع بین این قیود و بدل عرضی آنها، در جامع صلاتی دخیل است.

۵) سوم: قیودی که در انجام نماز یا خودشان و یا بدل تعیینی آنها (که در عرض هم هستند ولی در یک فرض باید این را اتیان کرد و در فرض دیگر باید آن را اتیان کرد) معتبر هستند مثل وضو و غسل (برای حدث اصغر و اکبر) یا اتیان رکعت سوم و چهارم و ترک آنها (برای مسافر و حاضر) جامع بین اینها در جامع صلاتی دخیل است. در حالیکه هر کدام مقید شده اند به موضوع خاص خودشان.

۶) چهارم: قیودی که در نماز دخیل هستند و دارای بدل طولی هستند (یعنی اگر امکان نداشتند، بدل آنها را اتیان می کنیم) مثل قیام و بدل آن یعنی جلوس، یا وضو و بدل آن یعنی تیمم. جامع بین اینها - در حالیکه حالت اختیار و اضطرار را در آن مقید کرده ایم - دخیل در جامع صلاتی است.

[ما می گوییم: ظاهراً مراد ایشان از جامع، قدر مشترک نیست چراکه قدر مشترک را نمی توان مقید به اقسامش کرد یعنی انسان که جامع بین سفید پوست و سیاه پوست است، در هنگامی که جامع است نمی تواند مقید به سفید پوستی و سیاه پوستی شود. پس می توان گفت مراد ایشان آن است که چنین بگوییم: نماز وضع شده برای «...» + دو رکعت برای مسافر و ۴ رکعت برای حاضر» و یا مثلاً بگوییم: نماز وضع شده برای «...» + قیام برای سالم و «...» + جلوس برای مریض].

۷) پنجم: قیودی که در نماز دخیل هستند ولی مربوط به حال اختیار هستند و اگر اختیار نداشتیم اصلاً بدل ندارند و ساقط می شوند. مثل «بسم الله الرحمن الرحيم» که در حال تقیه ترک می شود. این قسم را مشکل می توان در جامع صلاتی اخذ کرد [و نحوه اخذ این قیود، همان است که در صدر بحث گذشت].

